امروز بامولانا





## امروز به چی فکر می کنی؟

# گفتوگو در دور باطل «تعهد»یا«تخصص» مسأله اين است



تامين استاد شايسته و با صلاحيت علمي براي تضور در دانشـگاه، اولین چیزی است که فضاًی آکادمیک هنر در این کشــور نیــاز دارد منظور استادانی هستُندُ که بدون واُبسَتگیهای دولتی تدریس می کنند. منِ آقاخانی، عضو هیأت علمی هیچ دانشگاهی نیستم و بهعنوان یک مربی یا اســـتادمدعو، وارد دانشــگاههامیشــوم و درس میدهم. برای آن که بتوانــم در آنجا بمانم، باید جدی تر تأمین مالی شـوم. در غیراین صورت من هم انگیزههای شخصی خودم را از دست می دهم و کنار می روم. دانشگاه می ماند و ورشکستگان علمی که نه در عرصه عملی در جایی توانستهاند خودىنشان دهندونه علمشان، علم قابل اعتنايى است. آنها با استفاده از رابطه ها و سوءاستفاده ز خلأهــاْی موجــود و چُیزهایی از این دســت آمده اند و کر سے هایی را در دست گرفته اند و درس می دهند؛ این اتفاق در شسرایطی میافت که بعضی از دانشـجویان از آنها بیشتر می دانند. بنابرایـن تأمین مالی یـک نکته بـرای رفع این مشکل اســت. دومین راهحل، اعتماد به آدمهای فرهنگی است. بسیاری از دانشگاهها محدودیت دارُند. محدودیت هایدی که خودشان برای خودشان ساختهاند به عنوان مثال، آقای فلان یا خانم بهمان، نباید درس بدهد چون نس نها حساسیتهایی وجود دارد. حساسیت وجود دارد که دارد! ما که دنبال امکانات وسیع نیستیم تا در اختيار اين افراد قرار بدهيم. اين آدم تخصص

علىاكبر عبدالرشيدى

زمانی که سخن از توسعه یا جوامع توسعه یافته در میان است، ناخودآگاه ویژگیهایی به ذهنمان

خُطور می کند که روابط مردم با مسردم و ملت و

دولت را به تصویر می کشد. روابطی که میان مردم

به صورت مستمر و دایمی رواج دارد و تعاملات

حوزهُ های مختلف را صورت می دهد که تعاملات

یہ ہمیے دلیے ، جوامع نسبت ہے دادہ و

. کردههایسی که افسراد آن جامعه دارنسد، تعریف

میشـوند. یکی از رفتارهای مفید در جامعه که

باشد، «وقف» است. متاسـفانه اینروزها برخی

. کسانی که کار خیر انجام میدهند، در قبال آن

برای خود حقی قایل میشوند یا دنبال جُبران آن

توسط جامعه هستند اما اگر از نفس کار خیر و

و دانش دارد و برای خودش فرد شــاخصی است. ر وجود حساسیت، توجیه خوبی برای محروم کردن ارتباط یک استاد با دانشجویانش نیست. بسیاری ،های فرهنگی ایجاد شــد ر . ص بایداعتماد به آدم های فرهنگــی را بیاموزیم. اگر این دو مشکل را حل کنیم، به شماً قول میدهم رسی موهستس را سی سید به سند برای ی وضع دانشگاه خیلی بهتر شود. اما امروز وضع چیز دیگری است. امروز آدمهای صاحب درایت، . هنر و توان بــرای تدریس، حضــور کمرنگی در دانشــکدههای هنر دارند و آنهایی هم که حضور دارند، آرامآرام انگیزههای خود را بهخاطر مسائل اقتصادی و دانشجویان بی انگیره از دست میدهندو حاشیه گزینی می کننید. در چنین شرایطی دانشجویان از استادانی که برای تدریس در دانشگاه حضور پیدامی کنند، بیشتر می دانند من نوعی، متخصص هستم که دولت نمی خواهد از من استفاده کند. در چنین شرایطی چه کاری می توانم انجام دهم؟ منظور من از لفظ دولت، دولتُ نهم، دهم، يازدهم يا دُولت «Nُ»ام نب منظور من مفهوم دولت به معناي عام كلمه است ودرباره برخورد آن باواژه تخصص و تعهد صحبت می کُنیم مُن به عنوان یک نیروی متخصص، خودم را معرفی می کنیم و می گویسم در خدمتم، حالا او بايد دُرِک، توان و استعداد استفاده از اين نيروها

را داشته باشد. اگر چنین نباشد، جز این که مدام بگويم من هسستم، كارى از دست من برنمي آيد. همواره بااین رویکرد که برای بیان نامناسب بودن شرایط می گوییم: من دیگر با این شرایط کار نمی کنم؛ مشکل داشته ام می گویم من هستم؛

این تعهدمن ووظیفه من در قبال جامعه خودم است، به شرط آن که شـماهی، مرا درست ببینید چه کارهایی از دست من برمی آید و از من استفاده کنید.بااین وجود،اگر قرار باشد ع نباشند که «هستم» من با «هستم» آقای متعهد بی تخصص فرق ُدارد، نمی توانم بــُه دولت کمکی کنم. این موضوع نشــان می دهدما در دوری باطل با هم گفتو گومی کنیم و قرار نیست گفتو گوهای ما، در نقطه ای همدیگــر را قطع کنند. آنها باید تصمیم بگیرند،میخواهندبرای بودگی چهچیزی،چهبهایی سردازندواز سوی دیگر بایدنشان دهند،می خواهند

چهچیزی را کنار بگذارند. اگر ایسن موضوع را در ک نکنند، تعارض بین هنر مندونیروهای تصمیم گیرنده در حوزه فرهنگی، تاابدادامه خواهدداشت. گرچه این مساله، مسالهای جهانی است و صرفا به ایران مربوط نمىشـوداما در ايران، سـالهَاى زيادى اُست كُه با این موضوع در گیر هستیم. تازمانی که هنر رااولویت یں رہے ہے۔ دھمبدانیم، تئاتر در ذھن مسئولان فرھنگی، تەصف قرار دارد. در این شرایط تنها کمکی که از دس برمی آید، این است که صحنه را ترک نکنم تاببینیم کهانشاءالله نگاه بهتری وارداین فضامی شود تابتوانیم ىاھە گفتو گو كنىم يانە.

برش

یر، درهم و دینار

قرآن و متولیان فرهنگ

بُنى قدرتُ علمىي، نظامى و قلمها و نوشتهها، حافظ علومند در حديث مى خوانيم: (قيدواالعلم بالكتابه) • خداوند به مال و قدرت و شمشــیر، ســوگند یاد نکرده ولی به قلم و نوشــته سوگند یاد کرده است..(و القلم و ما

یسطرون) ــتهای که وسیله رشد و تکامل باشد،ارزش داردوقابل سوگنداست. •ابـزار کار فرهنگــی- که همان قلم اس -قداست دار د.

«قر آن ومتولیان فرهنگی»



## مشكلات زنان سرپرست خانوار

سازمانهای دولتی هم کشیده شده است. مسالهای که با وجود فعالیت هم زمان گروههای مختلف هنوز نه تنها کمبودهای زیادی دارد که برنامه ریزی های منسجم و دقیقی هم برای آن انجام نشده است. فهیمه فیروزنیا مدیر ستاد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تحت پوششش شهرداری تهران نیز در این باره بعت پوسسی سیهرداری بهران غیر در اطلاعات گفته است: «بندون برخورداری از اطلاعات جمع نامه ریست خانوار انجام دهیے، بنابراین اطلاع از تعداد کار آفرینان، حوزه فعالیت و تولیدات آنان لازم است و باید کار آفرینان در این زمینه

همافزایی کنند و بدانند که از چه جوانبی به کار آنان لطمه واردمی شود.» با توجه به فعالیت هایی که شهرداری تهران در سرای محلات برای توانمندسازی زنان در نظُر گرفَته و گـه گاه کمکُهایی برای ایجُادیک کسـب و کار برایشـان انجام داده شـنیدن این سخنان امید بخش است. بهویژه که او در همین ها که در ایسنا منتشر هماهنگی سازمانهاو بخشهای مختلف دولتی باهم برای حل مسایل زنان سرپرست خانوار خبر داده است. اما چیزی که در صحبتهای او خالی است، نبود نامی از سازمانهای مردم نهاد است در شرایطی که فعالیتُهای هرچند کوچک آنها مے تواند به طی مسیری که برای حل مشکلات 



بی مناسبت





نگاه، باعث عقبگر دما در به ثمر نشاندن کار خیر و بهنتیجه نشــاندن مطلوب آن شــده است. باید تدایی ی اتخاذ کنیم که شیوههای دیگر کار خیر ... نر جامعه رواج يابد. مي توان با اطلاع رسان نهن خیرین را به این موضوع معطوف کرد که ۱۰۰۰ -پرداختن و در اُختيار قرارُ دادن امكاناتُ به ه تحقیقاتی و علمی و مسائلی که جامعه ما کمبود دارد نیــز جنبهای از کار خیر اســت. خیرین باید بدانند نتیجه ورود به این حـوزه، به تمام جامعه یک آجر بیاورند، یک مدرسه ساخته می شود. مثل این است که اگر قصد تأسیس کتابخانه ای

مىرسدو وسعت برخوردارى بيشترى از ساختن

گذشــته کار خیر در کشور ما نشــان میدهد، مردم بهصورت مستقيم به كار خير نمى پردازند، مثلا وقتی در قدیم مردم از تشنگی رنج میبردند، خب بن به جای دادن مشک آب به مردم، ترجیح میدادند که آبانبار بسازند یعنی مشکلات را از یشـه حل می کردند. یا این که بیشتر بازارهای قديم وقف بوده است زيرا اين عقيده وجُود داشت تا غیر از این که محل در آمدی برای انجام کار خیر بهدست آید،اشتغالزایی نیز صورت گیرد. متاسفانه این فرهنگ در این زمان، آب رفته ست. مردم باید یاد بگیرند که اگر هر کدامشان

را داشــته باشــيم، اگرُ هر کدام از مــا، یک کتاب

هدیه دهـد، کار کتابخانه تمام اسـت. ما باید در

این زمینه فرهنگسازی کنیم که اگر کسی کار

خیر انجام میدهد، با فرهنگ تاریخ این کشــور

، را برا کی در اور کار کی در ایک ایک معامله می کندنه منافع شخصی!بلکه گامی برای

بچەھاى ايران برداشتەاست.

ساخُتمانُ بُرای امورُ دیگُر دارد. دولت در این زمینه وظیفه هایی دارد اما طرف صحبت من، مردم هســتند که همــواره در اُین مسائل پیشگام بودهاند اما بعضیاوقات، فقط کار خیر را در انجام یک کار معین می دانند. باید بدانیم و رود خبرین به حوزه تحقیقات و مسائل علمی میانبر است و می تواند نتایج بهتری را عاید

گشـت اسـتا سسـت از وهــم و ز بیــم ۔۔ خشــمگین با زن که مهر اوســت س

# خـود مـرا آگـه نکـرد از رنـگ مـن

## بــر جهیـــد و میکشــانید او گلیـــم من بدیــن حالم نپرســید و نجسـ قصد دارد تا رہد از ننگ من

پویا باشد و اگر امروز بخواهیم این سـه صدا را نقـل کنیم،

این ســه صدا را نقــل کنیم، باید بگویم: صــدای چاپخانه،

## قلم

## حجتالاسلام قرائتي

نقش قلم از نقش زبان، شـهرت و فرزند بیشــتر اســت. زیرا قلــم تجربه قرن ها را به هم منتقل می کند و فرهنگ را رشد مىدهــدُ. افُــراد راُ باُ قلم می توان خواب یا بیدار کرد. ملتبی را می توان با قلم، عزیز یا ذلیل کرد. قلم يسكُ فرياد سساكت

است. قلم گزارشگر ً تاریخ

تکیه بر قلم، تکیه بر سندو اُستدلال است. رابطه با قلم رابطه با علم است. در میان تمام صداها، سـه صدا امتياز دارد: صداي قلم دانشــمندان، صدای پای مجاهدان، صدای چرخ ریسندگان. آری امتی عزیز است که علم و قدرت واقتصادش

## یکخبر|یکنگاه

# وهمافزايىسازمانهاىدولتي

زنان سرپرست خانوار حالا دیگر فقط بحث طرفداران حقوق زنان نیست، علاوه بر موسسات مردم نهادی که در این زمینه فعالیت می کنند، صحبت از این زنان به مسئولان دولتی و

## جمع آوري زبالهها درارتفاعات ولنجك



ثوابی که در قبال آن وجــود دارد، گذر کنیم و به جاانداختن این فرهنگ در جامعه بر سیم، خواهیم ديد چنين موضوعي، تا كجا و تا چه حد مي تواند در ارتقای سطح تعاملات جامعه تأثیر داشته . ىد. فرهنگ وقف در جامعه به غير از امكاناتي كه برای افراد در حوزه های مختلف به وجود می آورد، ، بهُوجود آمُدُن نوعي ازخود گُذُشُــتگي و ُدر فکر دیگران بودن و شیوع آن در جامعه می شود. این اعتقاد وجود دارد، اگر افرادی در جامعه هستند و این توانایی را دارند که می توانند در کار خیر شرکت کنند، درنگ نکنند چراکه باانجام این کار بهخود لطف کردهاند. زیــرا زمانی که به یک نفر کمک می کنید، قدرت توانبخشی به کسی ىيُ بخشــيد كه از تواناييهـــای موردنظر، بهدور

رواج وقف، سرمایه ای برای بچه های ایران

است. کار خیر در کشور ما، در برخی زمینهها مغفول مانده که جای تأسف است. باید بهطور جدی در ایسن زمینه، تجدیدنظـر کنیم. اکنون بیشــتر خیرین، کار خیــر را در موضوعاتی مثل ساختن مدرسه و مستجد محدود می دانند که